

سیر تاریخی شناخت تایلند در ایران

از خلال منابع تاریخی

• امیر سعید - الهی

صنف و صنفین

اگر چه کشور تایلند به صورت فعلی در قرن ۱۳ میلادی شکل گرفته است، اما دریانوردان عرب و ایرانی که طی قرون ۹ تا ۱۴ میلادی به این منطقه دررفت و آمد بوده‌اند مکرراً از دو شهر یا جزیره این ناحیه یعنی «صنف» و «قمار» یاد کرده‌اند که به خاطر محصول عود مرغوبشان معروفیت داشته‌اند.

«قمار» معرف «خمر» و اشاره به سرمینی است که امروزه کامبوج نامیده می‌شود و «صنف» را نیز جغرافیدانان امروزی بخشی از جنوب وینتام امروزی می‌دانند و ظاهراً کلمه صنفین نیز اشاره به این دو منطقه بوده است.

با این همه مارسل دویک فرانسوی که در اوخر قرن ۱۹ میلادی کتاب عجایب هند از شهربار بن بزرگ راهنمایی، دریانورد ایرانی قرن دهم میلادی را از زبان عربی به فرانسه ترجمه و در مورد اسامی جغرافیایی آن تفحص نموده است در نقشه ضمیمه کتاب منطقه «صنف» را با محل امروزی بندر «ساموت پراکان» واقع در جنوب بانکوک و در حاشیه خلیج تایلند مطابقت داده است. اگر این حدس درست باشد، باید قبول کرد که بخشی از تایلند امروزی در میان

حدود یک سوم ایران مساحت داشته و در میان کشورهای برمه، لائوس و کامبوج قرار گرفته است. این کشور که پس از سنگاپور و مالزی سومین اقتصاد در حال رشد منطقه «آسه آن» را دارد، تا حدود ۵۰ سال پیش سیام نامیده می‌شد و در آن موقع مهم‌ترین محصول آن را برنج تشکیل می‌داد. هنوز هم نزد ایرانیان، برنج بیشترین صادرات این کشور شمرده می‌شود، در حالی که این کالا اینک فقط ۲ الی ۳ درصد صادرات سالانه شصت و چند میلیارد دلاری تایلند را دربر می‌گیرد.

تایلند جایگاه ممتازی را در تاریخ روابط سیاسی ایران با شرق آسیا احراز نموده است. زیرا این کشور که مانند ایران هرگز زیر یوغ استعمار واقع نشده است، اولین کشور که مانند ایران هرگز زیر یوغ سال پیش ایلچی مخصوص خود را به دریار ایران صفوی گسیل داشته و متقابلاً در همان تاریخ میزان اولین هیأت سیاسی اعزامی ایران به شرق آسیا بوده است. مردم ایران در طول تاریخ، این کشور را با نام‌های گوناگونی می‌شناخته‌اند. در این مقاله سیر تطور این آشنایی بررسی می‌شود.

ایرانیان و اعراب قدیم به «صنف» معروفیت داشته است.^۱

لازم به یاد آوری است که این بوطه سیاح مسلمان که در قرن ۱۴ میلادی از راه دریا به هندوچین رفت، ظاهراً در یکی از شهرهای جنوب تایلند امروزی که آن را «قاوله» نامیده و محل دقیق آن مشخص نشده است توقف داشته و از وفور فیل به عنوان وسیله اصلی ایاب و ذهاب در این شهر یاد کرده است.

«شهر ناو» و «تناصری»

اولین ذکری که از این سرزمین در مأخذ فارسی رفته است مربوط به حدود دو قرن بعد از تأسیس این کشور، یعنی سال ۱۴۴۰ م. (۸۴۵ ق.) است که کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی به عنوان سفیر شاهزاد (فرزند امیر تیمور گورگانی) به سرزمین هند اعزام گشته و هنگامی که در سر راه خود به جزیره هرمز واقع در خلیج فارس می‌رسد، دریادهای خود به تجارت وسیع این جزیره با اقصی نقاط جهان و شهرهای گوناگون عالم آن روز از جمله با «تناصری» و «شهر ناو» اشاره می‌کند. به نوشته او در آن زمان محصولات آنان را از طریق دریا به جزیره هرمز می‌آوردند.^۲

«تناصری» یا به عبارت امروزی «تناسریم» (Tenaserim)، سواحل غربی سرزمین تایلند است و «شهر ناو» نیز اشاره به «آیوتایا»، پایتخت سابق تایلند است که از حدود یکصد سال قبل از آن یعنی از سال ۱۳۵۰ م. تا ۱۷۶۷ م. که توسط نیروهای مهاجم برمۀ ای تخریب شد، مرکز سیاسی و بازرگانی این کشور بوده است. در آن زمان به علت نفوذ کانال‌های آب در آیوتایا، مردم این شهر از قایق جهت تردد به نقاط گوناگون استفاده می‌کردند. به همین دلیل دریانوردان ایرانی آن را «شهر ناو» می‌نامیدند.

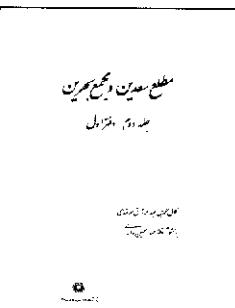
منابع اروپایی نیز به تقلید از دریانوردان ایرانی آن را به اشکال مختلف از جمله Cernov و Sarnav وغیره نوشتند.^۳ به همین جهت، این که در بعضی از منابع متأخره جای شهر ناو «شهر نو» نوشته شده صحیح نیست و این اشتباه ناشی از رسم الخط کتاب مطلع السعدین و مجتمع البحرين است که به جای «الف» از علامت «فتح» و به صورت «شهر نو» استفاده شده است.

ماچین و بلاد الذهب

از سوی دیگر، ایرانیان که از قدیم الایام نواحی جنوبی چین را «ماچین» می‌نامیدند، از قرن ۱۵ میلادی به بعد به تدریج این اصطلاح را به سرزمین‌های آنام، سیام و برمه (یا هندوچین امروزی) اختصاص دادند. علاوه بر آن، قدمًا اصطلاح «بلاد الذهب» یا اقلیم طلایی را برای اشاره به برمه و سیام به کار می‌بردند.

باید دانست که ایرانیان قدیم کلیه سرزمین‌های ماواری هند در شرق آسیا، یعنی سرزمین‌های ماواری رود گنگ و شرق جزیره سیلان از برمه تا ژاپن (ناحیه آسیا پاسیفیک امروزی)، را «زیر بادات» می‌نامیده اند. به همین علت کمال الدین عبدالرزاق نیز شهرهای تایلند را به عنوان شهرهای منطقه «زیر باد» نام برده است.

به هر حال کاربرد کلمه «ماچین» برای اشاره به تایلند امروزی از آن زمان تا اواخر دوره قاجاریه معمول بوده است، ولی پس از آن به



تدریج کلمه «سیام» جای آن را گرفت.

«سیام» و «آیودیا»

کلمه «سیام» در زبان فارسی برای اولین بار در یکی از متون مهم اواخر قرن هفدهم میلادی به نام سفینه سلیمانی به کار رفته است. این کتاب، سفرنامه یک هیات رسمی سیاسی ایران است که در سال ۱۶۸۵ م. از سوی شاه سلیمان صفوی به دربار نواحی کبیر، پادشاه وقت سیام اعزام شده است و از نظر روابط تاریخی و سیاسی ایران و تایلند واجد اهمیت بسیار است.

در واقع «سیام» اولین کشور در شرق و جنوب شرقی آسیا بوده است که باب دوستی و مراوده با ایران صفوی را باز کرده و در سال ۱۶۸۲ م. با اعزام سفیر به دربار ایران، خواستار گشودن روابط دوستی و مودت میان دو کشور شده است. نقش «نارای کبیر» در توسعه دیپلماسی و روابط خارجی «سیام» را می‌توان با نقش شاه عباس صفوی در ایران مقایسه کرد. در زمان او بود که برای اولین بار سفرای کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و هلند نیز وارد سیام شدند.

به هر حال در اجابت به درخواست «نارای کبیر» بود که یک هیأت سیاسی از سوی دربار ایران عازم سیام شد و در سال ۱۶۸۶ م. پس از سه ماه دریانوردی به دربار سیام باریافت. رئیس این هیأت به نام محمد حسین بیگ به محض رسیدن به سواحل سیام، در تناسریم بیمار شد و دار فانی را وداع گفت و شخص دیگری به نام ابراهیم بیگ به حضور نارای کبیر رسید.

اگرچه محمد ریبع منشی هیأت، سفرنامه مبسوطی از این مأموریت برای ما به یادگار گذاشت، اما فقط حدود بیست و پنج سال پیش بود که متن کامل آن به زبان فارسی به چاپ رسید.^۴

با این همه، این سفرنامه پس از حدود ۳۰۰ سال هنوز هم تنها مأخذ مهم فارسی درباره تایلند به شمار می‌رود و به خوبی نشان می‌دهد که تایلند یا سیام از دریاز در روازه ورود ایرانیان به سرزمین‌های جنوب و شرق آسیا بوده است. البته باید در نظر داشت که در آن زمان از این سفرنامه یک یا دو نسخه بیشتر نوشته نشده است که آن هم قاعدتاً باید در اختیار دربار ایران و رجال بوده باشد ولذا مطالب آن از دسترس عموم مردم به دور بوده است. اما به طور قطع این هیأت در بازگشت دیده‌های خود را از این سرزمین برای مردم بازگو کرده است.

محمد ریبع در این سفرنامه پس از بحث مفصلی در مورد کلمه «ماچین»، به طور دقیق محل و موقع کشور امروزی تایلند را برای اولین بار به فارسی چنین شرح می‌دهد:

«متعددین مردم ایران به قرینه و قیاس این که چون این مکان در سمت چین واقع است آن را ماچین و به اعتبار این که مدار تردد و تمیش امور آن حدود به تاو و سنبوک است به «شهر ناو» نامیده اند. سکنه آن دیباره زبان خود، آن و لایت را «آیودیا»، یعنی شهر بزرگ می‌خوانند و فرنگیان و ارباب شناخت که پی به آنچه برده اند در کتب خود «شهر سیام» نوشته اند.^۵

وی سپس با اشاره به مردم آن سرزمین چنین اضافه می‌کند: «مردم ایرانی و فرنگی ایشان را سیام می‌خوانند و خود (ایشان)

سردر معجر تمرد کشیده است.» (همان مأخذ)

در کتاب سفینه سلیمانی به تفصیل حضور گسترده جامعه ایرانی در این کشور در قرن هفدهم و کمک این جماعت به تصاحب تحت سلطنت توسط نازای کبیر و نیز نقش «فالکون» صدراعظم «نازای» در منزوی کردن ایرانیان سیام شرح داده شده است.

بانکوک

نام «بانکوک» که در سال ۱۷۸۲ م. به پایتختی سیام برگزیده شد، برای اولین بار حدود ۷۰ سال بعد از این تاریخ در کتاب جهان نمای فلوفون رافائل که در سال ۱۸۵۱ م. (۱۲۶۷ ق.ق.) در تبریز به چاپ سنگی رسیده، دیده می شود. این کتاب که تقریباً به قطع جیبی است، در واقع اولین فتح باب در جغرافیای جدید به زبان فارسی به شماره روکده توسعه یکی از اتباع انگلیسی به نام فلوفون رافائل از فرانسه به فارسی ترجمه شده و یک سال پس از ترجمه به چاپ رسیده است. همان طور که گفته شد، نخستین متن جغرافیایی به سبک جدید در زبان فارسی به شماره روکده ایرانیان را برای اولین بار به صورت علمی با وضعیت آن روز کشورهای جهان و از جمله سرزمین های شرق آسیا آشنا می کند. علاوه بر آن، به شرح مذاهب معتبر هند و سرزمین های شرق دور نیز می پردازد که در جای خود بسیار خواندنی است. وی در ذکر هندو چین می نویسد: «مردم آنجا فیل سفید را محترم دارند و زیاده اورا عظم شمارند، زیرا که معتقد ایشان است که چون پادشاه ایشان بدرود این قالب کند روح او به قالب فیل سفید رفته باز در این عالم جلوه کند.» رافائل همچنین آثین بودارا چنین شرح می دهد:

«... دوم فرقه بوداچ که بوداچ نام کسی است که بنای این مذهب منسوب به اوست و اکثر چینیان که در کیش خواند از اقسام این ملت است... که به تعدد خالق قابل اند و سنت ایشان زیادی تناک و کثرت ترویج»^۷

همانگونه که گفته شد در این کتاب برای اولین بار در زبان فارسی از شهر بانکوک (با املای بانک) نام برده شده، ولی البته بانکوک را «از شهرهای مشهور ولايت بیرون» به شمار آورده و جمعیت آن را ۹۰ هزار نفر و آن را شهربی مرغوب و معتبر ذکر کرده است.

جام جم و «صیام»

پس از آن باید به کتاب جام جم نوشته فرهاد میرزا معتمد الدله، عمومی ناصار الدین شاه اشاره کرد که در سال ۱۸۵۶ م. به صورت چاپ سنگی به طبع رسیده است. در واقع جام جم از اولین منابع جغرافیایی فارسی به سبک جدید است که حدود پنج صفحه آن، یعنی باب های ۱۱۰ تا ۱۱۳ به سرزمین های شرق دور اختصاص دارد و نویسنده در باب ۱۱۱ به شرح نسبتاً مفصلی در مورد سیام (البته با املای صیام) می پردازد. گویا مطالب این کتاب از چند منبع خارجی ترجمه شده است و از نظر بحث ما دارای اهمیت زیادی است. زیرا این اولین بار است که مطالب نسبتاً مشروحی درباره سیام و تایلند امروزی در متون جغرافیایی فارسی به چاپ می رسد و در واقع اولین شرحی است که ایرانیان، ۱۵ سال پیش درباره تایلند امروزی خوانده اند. به نوشته

خود را از نسل تانی می دانند» (همان مأخذ).

درباره وجه تسمیه «سیام» که به قسمت غربی شبه جزیره هندوچین اطلاق می گردد، اقوال مختلفی ذکر شده است. بعضی آن را مشتق از سین (Sien) یعنی نام چینی یکی از دو گروه اصلی نژاد سیامی می دانند. برخی دیگر برآند که نام آن کشور از واژه «سیام» (Syam) که در زبان ملايو به معنای سیاه سیاه است، اقتباس گردیده و این اسم را به مناسبت رنگ سیاه خاک زراعی به آن سرزمین داده اند.

در هر صورت کلمه سیام را در یانور دان خلیج فارس و بعد از آنها پرتغالی ها و اروپاییان مشهور ساختند، ولی (همان گونه که مؤلف سفینه می نویسد) مردم آن کشور همیشه خود را «تائی» یا «گن تائی»، به معنی آزاد مرد خوانده اند. امروز هم به زبان سیامی نام آن کشور «موانگ تائی» یعنی سرزمین آزاد مردان است.

شهر «آیودیا» در سال ۱۳۵۰ میلادی بنا گردیده است و در زمان تأثیف سفینه متجاوز از سه قرن از بنای آن می گذشته است. با توجه به این که حتی در کتب جغرافیایی مهم فارسی تا قرن ۱۵ م نیز نامی از این شهر برده نشده، متوجه می شویم که ایرانیان تا حدود ۲ قرن پس از تأسیس این شهر از وجود آن بی اطلاع بوده اند.

در این کتاب نیز «عود» یکی از محصولات سیام معرفی شده و محمد ربيع به تفصیل نحوه استحصال آن را از چوب های جنگلی شرح می دهد و رواج بازار آن را بر اثر کوشش ایرانیان می داند. علاوه بر عود، وی از محصولات دیگر سیام مثل برجن، فیل، دندان فیل، بقم، کرنگ، لاک، آهک، پوست آهو، کافور، فوفل چینی، فلفل، عنبر و قلع نام می برد و جزئیات نحوه تولید و خرید و فروش هر یک را به تفصیل شرح می دهد.

اهمیت دیگر سفینه در این است که این کتاب اولین مرجعی است که ما را با سیام و نحوه زیست و زندگی مردم آن به انقل اقوال، بلکه به طور عینی آشنا می کند و آداب و رسوم و عقاید و عرف جامعه سیام را در مناسبت های گوناگون به تفصیل شرح می دهد.

علاوه بر این سفینه اولین مأخذی است که آثین بودارا به زبان فارسی و به تفصیل معرفی می نماید. قبل از آن آشنا ایرانیان با آیین بودا بیشتر از طریق کتاب های مسالک و ممالک به زبان عربی و آن هم با شرح موجز و مختصر صورت می گرفت.

سفینه سلیمانی ضمن آن که نخستین سفارتمانه فارسی و گزارش

جامع سفرسیاسی در ایران به شمار می رود، در عین حال اولین مأخذ فارسی است که ما را لاقل با بخشی از تاریخ سیام آشنا می کند؛ چیزی که تا آن موقع و حتی پس از آن نیز در فارسی موجود نبوده است. در واقع این کتاب دریچه ای است به جامعه و تاریخ قدیم سرزمین سیام که امروز نام تایلند را بر خود دارد و بررسی آن به فرستی جداگانه نیاز دارد. مؤلف سفینه علاوه بر «آیوتایا» (یا شهر ناو) و «لوب بوری»

امروز (یا Lovo)، در شهرهای دیگر سیام از جمله «پطانی» که امروز نیز به همین نام مشهور است توقف داشته و آن را «از جمله زیر بادات و در عین خوشی و خوبی و ارزانی و معموری» وصف می کند. وی می نویسد: «والی آنها زنی است و رعایای آنجا مسلمان و به مذهب شافعی اند... و هر سال چند مثالاً طلا را به شکل گلی ساخته دماغ پادشاه سیام را از رایحه با جگذاری مطریز به آن می ساخته اند و الحال

مطلع عجین محاججین

ملامک ایران بجهات متوسط
بلطفه عزیز
موضع پیش
دلل پیش
جهات متوسط

سفینه سلیمانی

(سفرنامه سفر ایران به سیام)

تاریخ

محمد ربيع، محمد ابراهیم

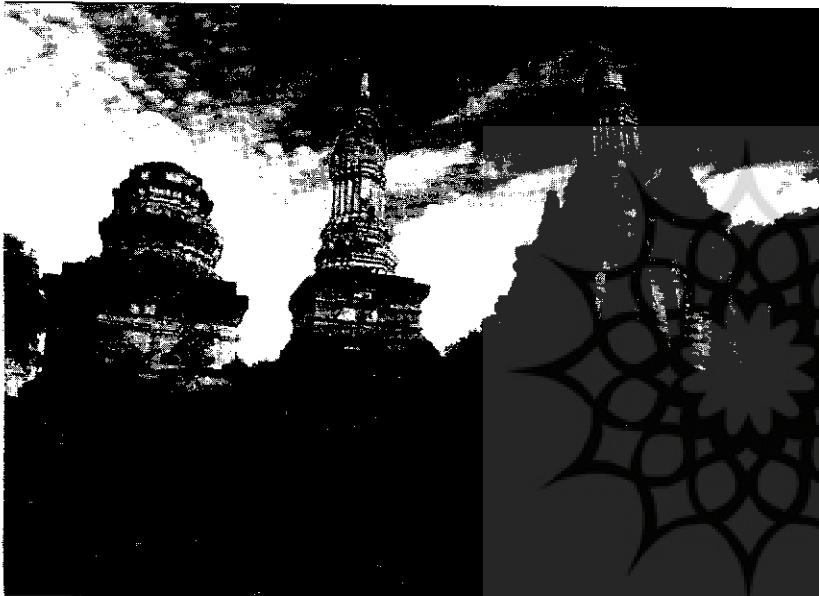
ترجمه، تمهیل و تحریر

دکتر عباس فدوی

آذر ۱۳۹۶

يعنى در سال ۱۲۷۲ق. / ۱۸۵۶م. شرح جالبی در معرفی مذهب و مشرب و اعتقادات و آینین زندگی مردم سیام به خصوص احترام آنان به «فیل سفید» که تا امروز نیز ادامه دارد، به چاپ رسانده که بسیار جالب و خواندنی است. بخشی از آن که در نوع خود برای اولین بار به فارسی چاپ شده است در اینجا می‌آید:

«غرايبة احوال سکنه هندوچین و عجایبات مذهب و مشرب آنها معلوم ارباب مطالعه است. در طرف شرقی هند و جنوبی چین ولاستی است که سیام می‌نامند. اهالی آنجا حلوی مذهب‌اند و حیوانات را که سفیدیک دست بوده و هیچ نقطه سیاهی در جلد او نباشد پرستش می‌کنند و این را نمونه گرفته اند از این که انسان باید کسب صفات نموده درونش از ظلمت صافی و به کمال نورانیت پیوسته باشد و به این خیال حیوانات سفید پوست را پرورش داده پرستش می‌کنند



بقایای معابد و زیارتگاه‌های سوخته در شمال تایلند

و گروهی از آنها پرستش فیل سفید و بزرگ را که از نقطه سیاهی صاف و پاک و از او بزرگتر حیوانی نیست عادت کرده‌اند و اعتقاد دارند که روح پادشاهی در جسم این حیوان حلول کرده و کلا و خدمه که به جهت پادشاهان قانون است، برای این فیل برقرار و توقيیر و تعظیم (خصوص) سلطانین را درباره او معمول می‌دارند و در روز اجتماع و عیش عامه این فیل را چون پادشاهان برابر می‌دانند. جامه و لباس او از همه ممتاز تر و تاجی مرصع به جواهرات برسر او نصب می‌کنند و در رهگذر او بزرگ و کوچک مال و جان نثار می‌کنند و حیوة او را زندگانی عالم می‌شمارند و ناخوشی او را با فتای حال خود استدلال می‌کنند و در فوت او به حالت فنا تعزیه داری نموده... و ذکور و انان البسه پاس و ماتم پوشیده در چهارسوق و بازار گریبان خود را چاک و به ناله‌های اندوه‌گین و مدایح و حشت‌انگیز در غمگینی یکدیگر معاونت می‌نمایند و اسم این فیل را شاهان می‌نامند و عمارتی ملوکانه مشتمل بر بیوتات و جواری و خدم و مصاحبان آموزگار و اساس سلطنت برای او ترتیب داده و او را مانند سلطانین به حمام می‌برند و هر روزه برای او مشک و عبیر برداشته و به اونثار و بگشودن چتربروی او تعظیمات بليغه به عمل می‌آورند و هرگزش به یمن این که

«فیل در این ولاست بسیار است و اهل صیام معمرین ولاست خود را بسیار دوست می‌دارند و گدایی را حقیر و دزدی را قباحت عظیم می‌پندازند و در رزگری و نقاشی ماهرند و عموماً تبل و کاهله به لهو و لعب مایل و به موسیقی و انواع سازها حرص کامل دارند و اغلب اوقات به کشتی گرفتن و گاؤ و دواندن و خروس جنگ انداختن و بندبازی کردن و آتش بازی کردن اشتغال می‌ورزند و مذهب ایشان مثل مذهب برمان و حکومت آن جا مسلط است... صیام مملکت حاصل خیز است و هوا و محصولات آنجا تفاوتی چندان با برمه ندارد و اهل مملکت پادشاه خود را به چندین اسم می‌خوانند که معنی او صاحب کل و رئیس موجود است و پادشاه فیل سفید است و مذهب ایشان غالباً بتپرستی است و از ده هزار مت加وز برهمن و رئیس مذهب دارند و این قاعده در میان اهل صیام معمول که هرگز از اهل ملک باید اقل ادرمت عمر خود رئیس دین بشود و براین رؤسا خلیفه اعظمی تعیین شده است که امر و نهی او را منقادند و در صورت، شباهت کلی به مغول دارند و خود را اشرف و انجب جمیع امم و طوایف عالم می‌دانند و بجز اهل چین هیچ کس را در وقت ملاقات حرمت و عزت نمی‌کنند و هیچ پسری مادام حیات در نزد پرادران جلوس و چیز خوردن ندارد تا به ذکر بعضی مزخرفات و اباطیل و حرکات لغو و ناشایسته چه رسیده در این زمان (در ایران) مقبول و معمول است. حضرت رسول علیه الصلوٰة والسلام فرماید «اللهم انى اعوذ بك من امراه تشیینی قبل اوان مشیبی و اعوذ بك من ولد یکون على ریتا و اعوذ بك من مال یکون على عذاباً». ^{۱۸} القصه در طرز ادب، اهل صیام به اعلى مقام رسیده اند و چنانچه پادشاه نیز باشأن و شوکت سلطنت ماهی باید یک مرتبه به حضور والده اش آمد و به زانوهای خود تکیه کند و هر دو مرفق را چنانچه رسم است زمین گذارد و زانوی مادر را بوسه دهد. در صیام اکثر اعیان مملکت خانه‌های چوبی دارند و پایه آنها از چوب‌های کلفت و بلند است و با نزدیک بالا می‌روند و از خوف مارشب‌ها در آنجا آرام ندارند.^۹

صیام در روزنامه‌های قدیمی ایران

کمی قبل از انتشار کتاب جام جم، نخستین روزنامه ایرانی به نام

وقایع اتفاقیه آغاز به انتشار کرد و برای اولین بار در سال ۱۲۶۸ق. /

۱۸۲۵م. درستون «خبر ادول خارجه» خبری از سام در این روزنامه به

شرح زیر به چاپ رسید:

مملکت سیام از قراری که سیاحان نوشته‌اند قانونشان به خلاف ممالک آن اطراف است. مردمانی مهربان و غریب دوست‌اند، خصوصاً پادشاه آنها که نسبت به سیاحان از هر طایفه و هر ملتی که به آنجارفته اند التفات زیاد کرده است. ولاست مزبور در بعضی از قوانین و مذاهاب به طریقه اهل چین می‌باشند. ولاشان بسیار آباد است و تجارت عمده دارند و شهرهای معمور و رودخانه‌های زیاد و رودخانه‌ها چنان بزرگ‌ند که کشتی در آنها عبور می‌کند.^{۱۰}

می‌بینیم که سیامی‌ها از حدود یکصد و پنجاه سال پیش از سنت می‌بهمان نوازی و غریب دوستی و مهربانی برخوردار بوده‌اند و شاید به همین علت است که امروزه صنعت توریسم یکی از منابع مهم در آمد ارزی آنان محسوب می‌شود. همین روزنامه حدود چهار سال بعد،

ملکت سیام در هندوستان به عرصه وجود آمدند. پدر و مادر آنها از اهل چین بودند. بدن‌های آنها به واسطه بند لحمی از سینه به سینه متصل شده. اول به نحوی بود که مقابله کردیگر بودند. ولی از جهت حرکت زیاد، بند طولانی شده از حالت طبیعی اولی تغییر یافته به نحوی شد که وقتی که به لندن وارد شدند می‌توانستند پهلوی یکدیگر باشند. طول این بند و مسافت ما بین آن دو نفر چهار انگشت گشاده بود، چنانکه اذیت و یا صدمه به واسطه بند وارد می‌آمد بهردو بدون تفاوت محسوس می‌شد. این توأم راحونتر نام در سنه هزار و هشتصد و بیست و نه به ینگی دنیا (آمریکا) بود. بعد از سیاحت و گردش کل اقیانوس اروپا، دریکی از ولایات جنوب ینگی دنیا سکنی گرفتند. دو زن را که هر دو خواهر بودند به مزاوجت خود درآوردند. چونکه مابین دو خواهر سلوک نمی‌شد و دائم نزاع بود، لاید شدند از اینکه برای هر کدام منزلی برقرار کنند. جنگ ملتی آخر (جنگ‌های داخلی آمریکا) که سبب خرابی زیاد به اهل ینگی دنیا شده، این توأم (دوقلو) را برا آن داشت که یکبار دیگر به عزم سیاحت و گردش اقیانوس اروپا بروند. دفعه اول که در لندن بودند بسیار طفل بودند ولی حالا هر کدام صاحب عیال و اطفال می‌باشند (و) پنجاه و پنج سال از سن هر کدام می‌گذرد.^{۱۲}

به هر حال در سال‌های بعدی شاهد کاهش مطالب مربوط به سیام در جراید فارسی هستیم که علت عدمه آن را می‌توان در اوج گیری حوادث مهم تاریخی و سیاسی در ایران و جلب توجه روزنامه‌ها و دولت به مسائل دیگر دانست.^{۱۳}

سیام، کشور هزاران بودا

در سال ۱۳۲۵ ش. که فضای سیاسی ایران از تنش‌های ملی شدن نفت و مبارزه با حزب توده آرام گرفته بود، دو برادر ایرانی به نام‌های عبدالله و عیسی امیدوار دست به جهانگردی زده و سفری را به دور دنیا از شرق آغاز کردند. آنها در سر راه خود به خاور دور، مدت هجده روز در شهر بانکوک اقامت کردند و دیدنی‌های این سرزمین را در خاطرات خود که هر هفته دریکی از مجلات فارسی زبان آن موقع به چاپ می‌رسید و خوانندگان فراوان داشتند. مردم ایران بدین ترتیب با این سرزمین افسانه‌ای آشنا شدند. در عصر جدید این نخستین باری بود که ایرانیان گزارش‌های عینی و دست اول از سیام که در این خاطرات «کشور هزاران بودا» نامیده شده است، دریافت می‌کردند. قبل از آن شواهدی مبنی بر این که جهانگردانی از ایران به این سرزمین رفته باشند در دست نیست. سفرنامه برادران امیدوار در سال ۱۳۴۰ در مجموعه‌ای به چاپ رسید و در سال ۱۳۷۱ نیز چاپ سوم آن منتشر شد.^{۱۴}

برادران امیدوار در شهر بانکوک با یک شاهزاده خانم سیامی به نام «کونتا آمنا می‌شوند که «اطلاعات وسیع و عمیقی» پیامون ایران داشت:

این شاهزاده خانم که بیست و پنج بیار زندگی را پشت سر گذاشته بود، در عین حال شاعر و نقاش زبردستی بود که راهنمایی برادران امیدوار را در بانکوک به عهده گرفته بود: «او ابتدا مارا به موزه سلطنتی راهنمایی کرد و در آنجا بود که ما از

ماکولات و مشروباتش تنزل نکند همیشه نیشکر فراوان آورده در پیشکار او می‌ریزند و حرکات حیوانیه او را امثال و دست بر سینه عرض تضرع و ایتهال می‌نمایند.^{۱۵}

البته علاوه بر مطالب فوق اخبار سیاری هم در زمینه مناسبات سیام با ممالک فرنگ از جمله فرانسه و انگلیس و اعزام سفرا و نمایندگان سیاسی از سیام به اروپا و بالعکس در این روزنامه درج گردیده است. برای مثال همین روزنامه دریکی از شماره‌های خود در سال ۱۲۷۴ ق. / ۱۸۵۸ م. در مورد آداب و رسوم و اعتقادات آنها می‌نویسد:

«کلابت پرست‌اند: شیرینی و نان و گوشت حیوانات چهار پارا نمی‌خورند. فقط گوشت حیوانات دوپا از قبیل طیور و ماهی خوارک آنها است و این مطبوعات را به بیور سرخ زیاد و سایر ادویه‌جات می‌آلیند و می‌خورند و در شبانه روز به کرات چای زیاد بی شیرینی



صرف می‌کنند... و از غرایب احوال ایشان این که به خلاف کل اهل عالم که دنдан خود را سفید و شفاف نگاه می‌دارند، اینها دندان خود را سیاه می‌کنند و هرچه دندانشان سیاه تر باشد بهتر می‌دانند.^{۱۶}

دو قلوهای سیامی:

روزنامه دیگری به نام ایران که در همان سال‌ها منتشر می‌شد، در سال ۱۲۸۸ ق. / ۱۸۷۱ م. شرح مبسوطی درباره «عنک» و «شنک»، یعنی اولین دو قلوهای سیامی که پنجاه و نه سال قبل از آن یعنی در سال ۱۸۱۱ م. متولد شده بودند، درج کرده است. این دو قلوهای سیامی پدیده‌ای بودند که به نام سیام در قرن نوزدهم به سر زبان‌ها افتاد و چون اولین بار این پدیده در سیام مشاهده شده بود، از آن پس همه دو قلوهای به هم چسبیده را «دو قلوهای سیامی» می‌گفتند. به هر تقدیر بخشی از مطلب روزنامه ایران در مورد اولین دو قلوهای سیامی چنین است:

«اگرچه بعضی اشخاص توأم متولد می‌شوند، ولی نه به این غرایت که دو جوان بودند یکی مسمتی بعنک و دیگری بشنک که در سنه هزار و هشتصد و بیازده مسیحی، پنجاه و نه سال قبل از این در

سعیدین و مجید
بهرین
جدول، تجزیه

کل پروردگاری
بانکوک

۰

سعیدین و مجید
بهرین
جدول، تجزیه

کل پروردگاری
بانکوک

۱

این زمینه می‌نویسنده:

«در جلوی رودخانه قایق قشنگی لنگر انداخته بود. این قایق بزرگ مخصوص پادشاه بود. پادشاه سیام دو ماه از سال را در این قایق به سر می‌برد تا با زمین تماس نگیرد. در این مدت او سرش را می‌تراشد، جامه ساده راهبان را می‌پوشد و سعی می‌کند که به عوالم اولوهیت صعود کند... در آنجا قایق‌های کوچک متعددی هم وجود داشت که هر کدام متعلق به یکی از شاهزاده خانم‌ها بود. کوتتا قایق خودش را پیدا کرده و هر سه با هم مشغول پاروزدن شدیم.» (ص ۱۷۲)

در سفرنامه برادران امیدوار تعالیم بودا هم به این صورت منعکس شده است:

«در هر گوش و کنار تجلیات این مرد بزرگ که امروزه میلیون‌ها نفر در برابر مجسمه هایش زانو می‌زنند دیده می‌شد. ناگفته نماند که در میان کلیه کشورهایی که فرهنگ و رسوم شان تحت الشاعع مذهب بودیستی قرار گرفته است، مردم کشور سیام به مراتب از سایر ممالک متدين تر هستند...» (ص ۱۶۸-۹)

بدین ترتیب خاطرات برادران امیدوار از تایلند، دریچه تازه‌ای بود که قرن‌های پس از آشنازی اولیه ایرانیان با این سرزمین گشوده شد. به خصوص که در همان سال نیز روابط سیاسی میان دو کشور برقرار گردید.

پی‌نوشت‌ها:

1. Liver des Merveilles de L'inde, L.Marcel Devic.E.J.Brill, 1883-1886.

۲. کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین (سال‌های ۷۷۲ تا ۸۷۵ق)، به کوشش محمد شفیع لاھوری، (ج ۲)، لاھور، ۱۳۶۰-۶۸ق.

۳. زنگاه کنید به تعلیقات شماره ۳ از کتاب «سفینه سلیمانی» ۴

۴. محمد ربیع بن محمد ابراہیم، سفینه سلیمانی (سفرنامه سفیر ایران به سیام، ۱۰۹۸-۹۴ق)، تصحیح، تحریش و تعلیقات دکتر عباس فاروقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ق.

۵. همان مأخذ، ص ۸۵.

۶. همان مأخذ، تعلیقات شماره ۴۸.

۷. جهان‌نامی فلوجون رافائل تبریز، ۱۲۶۷ق، (کتابخانه ملی ایران، چاپ سنتگی ۱۹۹۱).

۸. خدایه همانا پناه می‌برم به تو از زنی که پیر کند مرا قبل از رسیدن دوران پیری ام، واژفرزندی که تربیت من بر عهده او باشد و از مالی که موجب عذاب باشد.

۹. فرهاد میرزا (معتمدالدوله)، جامجم، تهران، ۱۲۷۲ق (کتابخانه ملی ایران چاپ سنتگی ۱۸۶۷ق).

۱۰. روزنامه و قایع اتفاقیه، شماره ۱۳-۷۴۵، ۱۳-۱۲۶۸، رمضان.

۱۱. روزنامه و قایع اتفاقیه، شماره ۱۰-۲۷۶، ۱۰-۱۲۷۴، رمضان.

۱۲. روزنامه و قایع اتفاقیه، شماره ۳۶۳، ۲۸-۱۲۷۴، جمادی الاول.

۱۳. روزنامه ایران، شماره ۱۷-۳، ۱۲۸۸ق.

۱۴. روزنامه ایران، ۲۶، ربیع الثانی ۱۲۹۱ق.

۱۵. سفرنامه برادران امیدوار نخستین جهانگردان ایران، تهران، مؤلف، چاپ اول، ۱۳۴۱.

دیدار آن همه نفایس و احجار کریمه حیران ماندیم. در جزوی کسری جامه‌هایی که متعلق به شخصیت‌های بسیار برجسته بود و در جعبه آئینه‌ها نگهداری می‌شد، یک دست لباس بلند که مانند عبا بود با عرقچین و شلوار و غیره دیدیم که به نظرمان آشنا آمد؛ زیرا شباهت فراوانی به جامه مسلمانان عرب داشت. کوتتا گفت: این لباس متعلق به یکی از افراد خاندان سلطنتی ایران است که در دویست سال پیش به اینجا آمد و با یکی از شاهزاده خانم‌ها ازدواج کرد و تا آخر عمر در سیام ماند.» (ص ۱۷۱)

برادران امیدوار شهر بانکوک را در حدود نیم قرن پیش چنین توصیف کردند:

«شهر بانکوک همانند «ونیز» دارای صدها کانال آب است که برای رفت و آمد از آنها استفاده می‌برند. این کانال‌ها به منزله جاده‌های آبی است و همیشه مملو از مردمی است که درون قایق‌های خودشان نشسته اند و در طول و عرض کانال‌ها به آمد و رفت سرگرمند. بعضی اوقات که اتومبیل از روی پل‌های سیمی عبور می‌کرد، لرزش پل را به خوبی احساس می‌کردیم. مثل این بود که درون یکی از قایق‌های راحت نشسته بودیم و روی آب رودخانه حرکت می‌کردیم.

در طرفین رودخانه عظیم مینام (چانو پرایا) که از میان شهر بانکوک می‌گذرد، هزاران قایق را می‌دیدیم که در حقیقت مأوى و جای سکونت مردم بود. شهر زیبای بانکوک با دیوارهای عظیمی به ارتفاع پنج و به عرض چهار متر محصور است. این دیوارها در زمان‌های قدیم خیلی مورد استفاده بود و حالا تقریباً به صورت ویرانه درآمده است.

آنگاه از برابر معابد بسیاری که عبادتگاه بود ایyan بود گذشتیم. این معابد به زنگ‌های زرد طلایی بود و از لحاظ معماری با سایر معابدی که در کشورهای دیگر دیده بودیم فرق فاحش داشت.» (ص ۱۶۴)

ظاهرآسال‌ها پس از آن که نام این کشور از «سیام» به «تایلند»

تغییر یافت، ایرانی‌ها هنوز آن را «سیام» می‌نامیدند؛ زیرا برادران

امیدوار خود ده سال پس از تغییر نام می‌نویسند:

«بد نیست بدانید که سیامی‌ها نام کشورشان را عوض کرده‌اند و حالا سیام را به نام تایلند یعنی سرزمین آزادی می‌شناسند... تایلند سرزمین همواری است. رودخانه‌های عظیمی مانند مکونگ دارد. این رودخانه را «نیل سیام» می‌نامند. به سبب کاشت برنج و فوره نیروی خود را برای احداث راه‌ها و جاده‌ها صرف کند، برای ایجاد کانال‌ها زحمت می‌کشند. زندگی روی رودخانه‌های تایلند مشهور است. هر کس به عوض قدم زدن در کوی و بربن، مال التجاره خود را درون قایقی می‌گذارد و به سوی بازار پارو می‌زند. به طوری که این مردم درون قایق چشم به دنیا می‌گشایند، درون قایق زندگی می‌کنند، درون قایق چشم از جهان می‌پوشند.» (ص ۱۷۷)

البته این توصیف مربوط به حدود پنجاه سال پیش است. امروزه بزرگراه‌های عظیمی که در داخل و حومه شهر احداث شده است، جای کانال‌ها و یا جاده‌های آبی را گرفته است. قایق پادشاه تایلند نیز یکی دیگر از مواردی است که توجه برادران امیدوار را جلب نموده و در